

تدوین مدل ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران با رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری

محمد همایون پور^۱

ولی نوذری^۲

سید احسان امیرحسینی^۳



10.22034/SSYS.2022.1387.1962

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

هدف این پژوهش، طراحی مدل ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران با رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) می باشد. پژوهش به روش آمیخته کمی و کیفی انجام گردید. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی را کلیه ورزشکاران و مربیان شاغل در لیگ های حرفه ای ایران تشکیل می دادند که با روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی براساس فرمول کوکران، تعداد ۴۵ مربی و ۳۲۳ ورزشکار (در مجموع ۳۶۸ نفر) انتخاب و در بخش کیفی، تعداد ۱۲ نفر از خبرگان ورزشی و مالیاتی به عنوان نمونه آماری برگزیده شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بود که با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت و جهت طراحی مدل از روش ISM استفاده گردید. نتایج پژوهش مبین شناسایی ۱۹ عامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی مربیان و ورزشکاران حرفه ای ایران بود که در شش سطح قرار گرفتند. عوامل شفافیت در قوانین مالیاتی و انجام مکانیزه امور مالیاتی در سطح زیربنایی و عوامل تسلیم اظهارنامه مالیاتی و اعلام شروع فعالیت اقتصادی توسط مؤدیان در سطح اول مدل قرار گرفتند. می توان گفت که تمرکز بر شفاف سازی قوانین مالیاتی و مدرنیزه کردن سیستم اخذ مالیات، ضمن تأثیر بر ایجاد عوامل سطوح بالاتر مدل و مؤثر در اخذ مالیات موجب توسعه فرهنگ مالیاتی و اعلام به موقع شروع فعالیت و تسلیم اظهار نامه مالیاتی خواهد شد و پنهان سازی و فرار مالیاتی را کاهش خواهد داد.

واژگان کلیدی: فرهنگ مالیاتی، قوانین مالیاتی، مربیان و ورزشکاران حرفه ای.

۱- دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، گروه علوم ورزشی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

۲- استادیار، گروه علوم ورزشی، واحد ارسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ارسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: V_nowzari@yahoo.com

۳- دانشیار، گروه علوم ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

پرداخت مالیات^۱ یکی از عوامل رشد و توسعه جامعه است و موجب رونق اقتصادی و ارتقای شاخص های آن، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می شود. با وصول مالیات عادلانه از مؤدیان، می توان بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور از جمله کسری بودجه سالانه، تورم و بی کاری را رفع و زمینه ایجاد عدالت اجتماعی از طریق توزیع دوباره درآمدها را فراهم کرد. مناسب ترین وسایل برای تأمین موفقیت سازمان مالیاتی کشورها، علاوه بر انسجام دستگاه مالیاتی به مفهوم اجرای درست قانون و ضوابط، افزایش انگیزه های درونی و جلب همکاری و هم فکری مؤدیان است (صامتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۳۱). برای مقابله با این مشکل، دولت با وضع قوانین، مالیات مستقیم و غیر مستقیم را برای بهبود درآمد عمومی به وجود آورد، هرچند شواهد آماری گذشته ثابت می کند که سهم مالیات بر درآمد، در کل درآمد دولت، کم است. ادبیات پژوهشی هم شواهدی را ارائه می دهد که مشخص می کند، تمکین و پرداخت مالیات متأثر از عوامل متعددی است، از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان شناختی، فردی (هو، هو و یونگ^۲، ۲۰۱۳: ۳۳-۴۴، دامایانتی و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۱۸۰-۱۸۸). در این میان می توان گفت که فرهنگ حاکم بر جامعه که متأثر از باورها و نگرش های مردم می باشد بر میزان تمکین مؤدیان مالیاتی اثر دارد.

در عصر حاضر فرهنگ مالیاتی به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی پدیده مالیات و مالیات ستانی در دنیای مدرن به شمار می آید. سیاست گذاران اقتصادی و سیستم مالیاتی را چاره ای جز مد نظر قرار دادن و توجه و تمرکز کردن بر ارتقای فرهنگ مالیاتی و تقویت آن در جهت کار آمدی مالیات نیست (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵-۱۱۶). وجود یک فرهنگ مالیاتی پیشرو، کمک قابل توجهی به توسعه اقتصادی کشور می نماید و از سوی دیگر مدیران با آگاهی و مطالعه عوامل در برگیرنده ارتقای فرهنگ مالیاتی حاکم بر جامعه، بهتر می توانند فرهنگ مالیاتی را مدیریت و توسعه دهند. به گونه ای که بهبود فرهنگ مالیاتی می تواند تأثیر مهمی در کاهش هزینه ها، افزایش درآمدهای دولت، ایجاد کنترل های موثر داشته که نتیجه آن افزایش عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و تمکین مالیاتی است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). فرهنگ همچنین به عنوان یک عامل محرک محیطی محسوب می شود که می تواند فرار مالیات را کاهش دهد. ارزش های اخلاقی تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی ممکن است بر فرار مالیات تأثیر بگذارد. بدین ترتیب ثابت شده است که ارتقای سطح فرهنگ مالیاتی، نیازمند درک بهتر روابط متقابل این عوامل است. هر چند باید متذکر شد که یافته های متناقضی هم مشاهده شده است، که برای شناخت بهتر روابط این عوامل و ارائه مدل کلی از تأثیر این عوامل نیاز به شواهد جدید و قابل ملاحظه ای است (آگبی تانده، آدیدوکن و فادیپه^۴، ۲۰۱۵: ۹-۱۶). فرهنگ مالیاتی هنگامی کاراست که افراد جامعه را به رعایت موارد ذیل ملزم کند: مالیات کل درآمد و دارایی مشمول مالیات را بپردازند، شروع فعالیت اقتصادی خود را به اداره مالیات گزارش دهند، درآمد خود را کتمان نکنند، در موعد مقرر اظهارنامه مالیاتی خود را براساس درآمدها

1. Taxation
2. Ho, Ho & Young
3. Damayanti et al.
4. Agebetunde, Adedokun & Fadipe

و هزینه های واقعی تنظیم کنند و به حوزه مالیاتی تحویل دهند، مالیات خود را در موعد مقرر قانونی بپردازند، با ادارات امور مالیاتی در تشخیص مالیات همکاری کنند، در مقابل دولت نیز باید به وظایف خود در قبال مؤدیان پایبند باشد (لشکری زاده و عزیزی، ۱۳۹۰: ۸۲-۹۲). یکی از منابع درآمد دولت‌ها، مالیات بر درآمد افراد است که این مهم در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای چالش هایی را به وجود آورده است (ویلیامسون، ۲۰۱۷).

بدون شک امروزه، ورزش حرفه ای و صنعت ورزش تجارت بسیار بزرگی را در برمی گیرد. ورزش حرفه ای شامل همکاری حامیان مالی، رسانه ها، ورزشکاران و تماشاچیان است. همچنین، بازار جهانی ورزش حرفه ای از این جهت که چندین مهارت و کسب و کار با هم ادغام شده و کسب و کارهای جدیدی را شکل داده اند، ساختار متفاوتی دارد و همچنان این ساختار، روز به روز در حال گسترش است. از آنجا که ورزشکاران و مربیان حرفه ای یکی از عناصر اصلی کسب و کارها در حوزه ورزش حرفه ای هستند، لذا توجه به فرهنگ و توسعه فرهنگی در این بخش ضرورتی برای توسعه در هر یک از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و حتی ورزشی محسوب می گردد (نقوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱-۳۰)، اما از نظر ساختاری تاکنون مطالعه ای همه جانبه برای رسیدن به یک رفتار مالیاتی ساختار یافته به خصوص در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای، انجام نشده است. این مهم زمانی نمایان تر است که مشاهده شود شرایطی که ارتباط بین بازیکن و باشگاه را برقرار می کند، مد نظر قرار نمی گیرد. شفافیت در مالیات بر درآمد ورزشکاران تیمی هم مشکل دیگری است که هنوز به روشنی مشخص نگریده که مالیات بر درآمد ورزشکاران بخاطر عضویت در تیم است یا مالیات بخاطر خود اشتغالی بازیکنان است، زیرا دو نوع اساسی از درآمد به ذهن می آید، یکی درآمدی است که ورزشکاران و مربیان از باشگاه دریافت می کنند و دیگری درآمدی است که آنان از خود اشتغالی نظیر تبلیغات و شغل های جانبی به دست می آورند که مشخص نیست جزیی از درآمد باشگاه محسوب می گردد و یا محلی برای درآمد شخصی آنان است. این مهم از فعالیت ورزشکاران و مربیان به شفافیت و مقررات خاصی از قانون مالیات بر درآمد وابسته است (رادوان و نک کر، ۲۰۱۶: ۴۰-۴۶). امروزه افزایش سطح فرهنگ مالیاتی، ایجاد فرهنگ خود اظهاری و به تبع آن، افزایش سطح تمکین مالیاتی به ویژه در قشر ورزشکاران که مشکلات مالیاتی عدیده ای دارند، از دغدغه های اصلی مدیران سازمان امور مالیاتی محسوب می شود. فرهنگ مالیاتی را می توان مجموعه ای از طرز تلقی، بینش و عکس العمل اشخاص در قبال سیستم مالیاتی دانست. این طرز تلقی به طور قطع با یک قانون مناسب و نیز عملکرد مأموران مالیاتی در به کارگیری قانون در مراجعه به مؤدیان، نقش اساسی دارد. مسلم است فرهنگ مالیاتی متأثر از فرهنگ عمومی جامعه و چگونگی روابط مردم یک جامعه متأثر از عوامل ایدئولوژیکی، سیاسی و اقتصادی آن جامعه خواهد بود (عسکری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۱-۷۵). عوامل بی شماری بر ارتقای فرهنگ مالیاتی اثر گذار است، به طوری که، می توان به عوامل دانش و آگاهی مالیاتی، هنجارهای شخصی و اجتماعی که مبتنی بر رویکرد خود دسته بندی، می باشد؛ انصاف و عدالت، شفافیت سازمانی که بر اساس رویکرد انصاف و رویکردهای مالی رفتاری قابل تبیین است. رویکرد مالی رفتاری توضیح می دهد که ادراک مالیات دهندگان از سیاست گذاران عامل مهمی در ارتقای فرهنگ مالیاتی است. این رویکرد تأکید بر از دست دادن انگیزه مالیات دهندگان برای پرداخت مالیات دارد، زیرا برای مالیات دهندگان هیچ

مزیت واقعی از مزایای پرداخت مالیات، درک نمی شود. این رویکرد بر اهمیت سیاست های مثبت توسعه یافته توسط دولت (منابع تشویقی و انگیزشی) برای بهبود همکاری بین مالیات دهندگان و سیاست گذاران تأکید دارد (کوگلر و همکاران^۱، ۲۰۱۳: ۱۶۹-۱۸۰).

در این میان با توجه به عوامل متعدد در توسعه فرهنگ مالیاتی تکنیک مدل سازی ساختاری تفسیری سیستم های پیچیده سازمان و عوامل متعدد را به چند زیر سیستم تبدیل می کند و با تعیین میزان هدایت گری و هدایت پذیری هر یک از متغیرها، اولویت های اقدام را برای مسئولان مشخص می نماید، در همین رابطه آذری و تیزرو (۱۳۸۷) بیان کرده اند که الگوی ساختاری تفسیری، یک تکنیک مناسب برای تجزیه و تحلیل یک متغیر بر متغیرهای دیگر و اولویت بندی و تعیین سطح عناصر یک سیستم است، زیرا اولویت های اقدام را در تصمیم گیری ها مشخص می کند (آذر و همکاران، ۱۳۸۷). در واقع، یکی از اصلی ترین منطوق های مدل ساختاری تفسیری آن است که همواره عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارد از اهمیت بالاتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از این روش شناسی به دست می آید ساختاری از یک مساله یا موضوع پیچیده یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می دهد که الگویی به دقت طراحی شده باشد (فایسال و همکاران^۲، ۲۰۰۶: ۵۳۵-۵۵۲). در این زمینه در ارتباط با ساختاردهی عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی پژوهشی صورت نگرفته است، اما پژوهش های اندکی در سازمان های ورزشی انجام شده است که می توان به گوهری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش با عنوان «ساختار دهی راهبردهای فدراسیون فوتبال با تکنیک ISM»، عمادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «سطح بندی موانع پیاده سازی راهبرد های منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان با روش مدل سازی ساختاری تفسیری»، سپهوند و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل مدیریت منابع انسانی در سازمان های ورزشی»، انصاری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «سطح بندی عوامل ایجاد فساد مالی و اداری در ادارات کل ورزش و جوانان» و حمیدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «سطح بندی راهبرد های آکادمی ملی فوتبال ایران» اشاره کرد.

در زمینه عوامل مؤثر بر پرداخت مالیات و همچنین فرهنگ مالیاتی، مطالعات اندکی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. مرور آن ها بیانگر این است که به نتایج مشابه دست یافته اند. در همین رابطه کولیش و همکاران^۳ (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند که متغیرهای کنترل نگرشی، هنجاری و ذهنی بر پیش بینی های مطلوب پرداخت کنندگان مالیات تأثیر دارد. بامی-آلدرد^۴ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه ای دریافتند که عوامل نهادی به همراه عوامل جمعیت شناختی، عوامل سازمانی و عوامل نگرشی، به عنوان یک زیر مجموعه ارزش های فرهنگی مؤثر بر فرار مالیاتی می باشند. احمد و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که نرخ مالیات بالا و سیستم مالیاتی ناعادلانه، دو عامل بسیار مهم مرتبط با عدم رعایت پذیرش مالیات است. علاوه بر این، حسابرسی ناکافی اثرات بازدارنده کمی دارد. عواملی مانند کافی نبودن تعداد کارکنان اداره مالیات، تغییرات مکرر قانون مالیات، رعایت پذیرش مالیاتی را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می دهد. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی مشخص نمودند که عوامل اجتماعی شدن همچون همکاران صنفی، التزام به

1. Kogler et al.
2. Faisal et al.
3. Kulis et al.
4. Bame-Aldred et al.

دین، رسانه ها، وجود سنت مالیات دهی در خانواده، روحیه قانون گرایی در خانواده، در افزایش فرهنگ مالیاتی تأثیر گذار می باشد. تأثیر عوامل برون سازمانی همچون اتحادیه های صنفی، داشتن وکیل حقوقی، تشویق و تقدیر از مؤدیان خوش حساب در افزایش فرهنگ مالیاتی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین تأثیر عوامل برون سازمانی همچون انجام مکانیزه امور مالیاتی، وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی، اطلاع رسانی مالیاتی شفاف بودن قوانین مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی مورد تأیید قرار گرفته است. عوامل درون سازمانی همچون سطح تحصیلات مؤدیان، داشتن انگیزه برای مشارکت اجتماعی، آشنائی مؤدیان با قوانین مالیاتی، نگرش مثبت مؤدیان نسبت به کارکرد مالیات اعتماد سیاسی نسبت به دولت، در افزایش فرهنگ مالیاتی مؤثر بوده است. حیدری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافته اند که در الگوی تجربی تحقیق متغیرهای نظام‌مندی مالیات، اعتماد متقابل کنشگران، عدالت مالیاتی و کارآمدی مصارف مالیاتی به طور مستقیم، متغیرهای شفاف بودن قوانین مالیاتی و اقتدارگرایی مالیاتی به طور غیر مستقیم و متغیرهای انصاف مالیاتی و سلامت اقتصادی مسئولان به طور مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ مالیاتی مؤدیان اثر می‌گذارند. خداپرست و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای با تأکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی»، در عدم گسترش فرهنگ مالیاتی، در میان عوامل فرهنگی، ناتوانی فناوریانه ای در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی، در میان عوامل فناوری و نرخ های بالای مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان، در میان عوامل دولتی و قانونی مهم ترین عوامل از نظر پاسخ دهندگان بوده است. سلطان حسینی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل بروز پدیده فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای»، نشان دادند که در میان عوامل قانونی، شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها؛ در میان عوامل فرهنگی، طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی؛ در میان عوامل حقوقی، عدم ضمانت اجرایی توسط نهادهای ذی‌ربط بر باشگاه‌ها؛ در میان عوامل مدیریتی، دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی فعال در کشور و در میان عوامل اقتصادی، عامل عدم پرداخت به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران در اولویت قرار گرفتند. اعتمادی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که نبود برنامه های تبلیغی برای افزایش فرهنگ مالیاتی و همچنین پیچیدگی و غامض بودن قوانین و مقررات مالیاتی، و مکانیزه نبودن سیستم مالیاتی از عوامل مهم در فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای بوده است. لشکری زاده و عزیز (۱۳۹۰) در مطالعه ای با هدف شناسایی عوامل موثر بر فرهنگ مالیاتی دریافته اند که سطح فرهنگ مالیاتی در میان مردم پایین‌تر از حد متوسط است، بی‌اطلاعی مردم از اهمیت پرداخت مالیات یکی از عوامل بازدارنده فرهنگ مالیاتی است، ساده سازی متون قوانین مالیاتی و منطقی کردن مراحل اخذ مالیات در ارتقا فرهنگ مالیاتی تأثیر دارد، آموزش مردم با قوانین و مقررات مالیاتی، مشکلات مأمور تشخیص را کم می‌کند و در ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤثر است، افزایش عدالت و کارکرد سازمان مالیاتی در ارتقا فرهنگ مالیاتی تأثیر دارد و صداقت و احساس مسئولیت مؤدیان یکی از عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی بوده است.

اگر فرهنگ پرداخت مالیات در جامعه نهادینه شود بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد. لذا ارتقای فرهنگ مالیاتی همواره مورد توجه دولت ها و مدیران اجرایی بوده است. در این میان یکی از منابع عمده درآمدی، مالیات بر درآمد ورزشکاران و مربیان حرفه ای است که چالش‌هایی را در دولت‌ها به وجود آورده است، این چالش‌ها بیشتر مبتنی بر فرهنگ مالیاتی در این گروه از افراد است. از طرفی مطالعات اندکی در رابطه با ارتقای فرهنگ مالیاتی صورت گرفته و در زمینه ارتقای

فرهنگ مالیاتی قشر ورزشکار، پژوهشی انجام نشده است و در مطالعات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی دارای اهمیت می باشد، لیکن تعیین عواملی که تأثیرگذار بر دیگر عوامل و ارتقای فرهنگ مالیاتی هستند، به مسئولان در اولویت های تصمیم و اقدام کمک خواهد کرد. از این رو، پژوهش حاضر با توجه به رویکردهای موجود و پیشینه پژوهشی سعی در شناسایی و تبیین عوامل اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران و سپس سطح بندی عوامل با استفاده از تکنیک مدل سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی دارد تا مدیران را در زمینه ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور یاری داده و منجر به تمکین هرچه بیشتر مؤدیان این قشر از جامعه در پرداخت مالیات گردد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی و به لحاظ هدف، کاربردی می باشد که به شیوه آمیخته (کمی و کیفی) انجام شده است. داده های پژوهش به صورت مطالعه اسنادی، اینترنتی، روش پرسشنامه و همچنین مصاحبه نیمه ساختارمند کیفی از نمونه پژوهش تا حد اشباع نظری در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران انجام گردید. در این پژوهش روش پژوهش ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی می باشد که ابتدا روش کیفی و سپس روش کمی به کار گرفته شد. جامعه آماری در بخش کمی کلیه ورزشکاران حرفه ای و مربیان شاغل در لیگ های حرفه ای ایران بود و افراد نمونه با روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی براساس فرمول کوکران برای جامعه نامعلوم از بین کلیه ورزشکاران و مربیان حرفه ای داخل کشور که در تیم ها و لیگ های حرفه ای مورد شناسایی قرار گرفتند و تعداد ۴۵ مربی حرفه ای و ۳۲۳ نفر، در مجموع برابر با ۳۶۸ نفر از رشته های ورزشی فوتبال و فوتسال، والیبال، کشتی، ووشو، بسکتبال، هندبال و کاراته انتخاب شدند. در بخش کیفی تعداد ۱۲ نفر از خبرگان براساس تخصص و تجربه، دسترسی و تمایل به همکاری به صورت هدفمند انتخاب گردید. (۶ نفر از خبرگان سازمان امور مالیاتی و ۶ نفر از خبرگان رشته های ورزشی فوتبال، والیبال، هندبال و بسکتبال).

ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود که براساس متون، مدل های فرهنگ مالیاتی، پیشینه پژوهش و نظر خبرگان با روش دلفی تدوین گردید. به این صورت که ابتدا موضوع پژوهش، با اعضای پنل دلفی (خبرگان) مطرح شد، سپس داده های حاصل از ادبیات پیشینه و تعداد دوازده مصاحبه با نمونه کیفی پژوهش در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران، پرسشنامه اولیه تهیه گردید و در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفته شد. پس از تجزیه و تحلیل و ارائه نظرات اصلاحی توسط اعضای خبرگان، پرسشنامه، بازنگری و پالایش شد و به منظور اعلام نظر مجدد و تعیین میزان اهمیت هر کدام از گویه ها، مجدداً برای خبرگان ارسال گردید. در پایان به منظور تجدید نظر در مورد عوامل و ترتیب اهمیت آن ها، پرسشنامه برای خبرگان ارسال گردید و توافق کلی اعضا، حاصل شد. سپس با استفاده از روش کمی براساس تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss-19 انجام شد. برای توصیف متغیرهای پژوهش مانند توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد از آمار توصیفی و از آمار استنباطی آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده ها، آزمون t تک متغیره برای بررسی مؤثر بودن عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای و از تکنیک مدل سازی ساختاری

تفسیری برای ساختاردهی و سطح بندی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران استفاده گردید. به منظور کاربرد روش مدل سازی ساختاری-تفسیری، عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی در جدول ماتریس خودتعاملی ساختاری درج گردید و به صورت پرسشنامه در اختیار نمونه کیفی پژوهش قرار گرفت و از آنان درخواست شد که عوامل را دو به دو به صورت زوجی مقایسه کنند به این صورت که چنانچه عامل i بر عامل j تأثیر می گذارد حرف V ، در صورتی که عامل j بر هدف i تأثیر می گذارد حرف A ، اگر تأثیر دو طرفه هست حرف X و در صورتی که مقایسه ارتباط دو عامل، هیچکدام بر دیگری تأثیر نمی گذارد حرف O بنویسند. در ادامه برای تعیین روابط علی-معلولی عوامل، از روش مدل سازی ساختاری-تفسیری استفاده گردید. این روش دارای چهار گام به شرح زیر می باشد:

گام اول) ایجاد ماتریس خود تعاملی ساختاری

براساس نظر اکثریت نمونه کمی پژوهش، جمع بندی نتایج داده های پرسشنامه ماتریس خود تعاملی به عنوان نظر نهایی در جدول مربوطه درج گردید.

گام دوم) به دست آوردن ماتریس دست یابی

در این گام نمادهای تعاملی ساختاری به شرح زیر به صفر و یک تبدیل شدند. در ردیف های افقی و عمودی نماد حرف X به ۱ ، حرف O به صفر، حرف V در، در ورودی j ، i (ردیف افقی) در ماتریس دسترس پذیری به یک و در ورودی i ، j (ردیف عمودی) به صفر و حرف A در ورودی i ، j (ردیف افقی) به صفر و در ورودی j ، i (ردیف عمودی) به ۱ تبدیل شد.

گام سوم) تعیین سطح اهداف و ماتریس استاندارد

به منظور تعیین سطح هر یک از عوامل، برای هر یک از آن ها مجموعه خروجی (دسترسی)، ورودی (پیش نیاز) و اشتراک ها تعیین می شود. متغیری در سطح اول قرار می گیرد که مجموعه خروجی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشند. پس از تعیین متغیرهای سطح اول، به منظور تعیین سطح دوم، متغیرهای سطح اول را از جدول حذف کرده، سپس با بقیه متغیرها جدول بعدی را تشکیل می شود. در جدول دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم را مشخص می شود و این کار تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه می یابد. در نهایت ماتریس استاندارد را تشکیل می شود.

گام چهارم) تشکیل مدل ساختاری تفسیری استاندارد

در این گام با توجه به سطوح تعیین شده، الگوی ساختاری تفسیری، ترسیم مدل انجام می گردد.

یافته های پژوهش

نمونه آماری پژوهش از رشته های ورزشی که مربیان و ورزشکاران سطح اول آن در لیگ های کشوری به صورت حرفه ای به فعالیت ورزشی مشغولند، انتخاب شده است. در بخش کمی پژوهش، ورزشکاران و مربیان از رشته های ورزشی فوتبال و فوتسال، والیبال، کشتی، ووشو، بسکتبال، هندبال و کاراته بودند که ۶۷/۹۴ درصد از نمونه آماری، مرد و ۳۲/۰۶ زن بودند. ۴/۰۸ درصد نمونه، دارای مدرک دکتری و یا دانشجوی دکتری، ۴۴/۰۲ درصد، دارای مدرک فوق لیسانس و ۵۱/۹ درصد، دارای مدرک لیسانس بودند. ۶۷/۱۲ درصد از نمونه آماری پژوهش، دارای سابقه ورزش یا مربیگری بالاتر از ده سال و ۳۲/۸۸ درصد، دارای سابقه کمتر از ده سال سابقه ورزش یا مربیگری بودند.

در بخش کیفی پژوهش تعداد ۶ نفر از خبرگان سازمان امور مالیاتی و ۶ نفر از خبرگان رشته های ورزشی فوتبال، والیبال، هندبال و بسکتبال بودند که ۸۸ درصد مرد و ۱۲ درصد زن بودند. ۴۴ درصد دارای مدرک دکتری، ۴۲ دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۴ درصد دارای مدرک لیسانس

● تدوین مدل ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران با رویکرد مدل سازی ساختاری

تفسیری

بودند. ۹۲ درصد دارای سابقه بیش از ده سال مدیریت در سازمان امور مالیاتی و ۸ درصد از خبرگان، کمتر از ده سال، سابقه مدیریت در سازمان امور مالیاتی داشت.

با بهره گیری از روش دلفی و نظرات خبرگان تعداد ۱۹ عامل اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران شناسایی گردید. عوامل در جدول خود تعاملی ساختاری درج گردید و به صورت پرسشنامه در اختیار نمونه کیفی تحقیق قرار گرفت. از اعضای نمونه پژوهش خواسته شد که عوامل را طبق قواعد یاد شده دو به دو به صورت زوجی مقایسه کنند و اثر گذاری و یا اثر پذیری هر عامل را نسبت به دیگر عوامل تعیین کنند. در نهایت میزان اثر گذاری یا اثر پذیری هر عامل با نظر اکثریت نمونه تعیین گردید. بررسی عوامل براساس قواعد مدل سازی ساختاری تفسیری طی چهار گام به شرح زیر انجام گردید.

گام اول: ماتریس خود تعاملی

نتایج کلی اثر گذاری یا اثر پذیری عوامل در جدول خود تعاملی ساختاری آمده است:

جدول ۱. ماتریس خود تعاملی ساختاری عوامل اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی مربیان و ورزشکاران حرفه ای ایران

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲							
۱	A	A	A	A	A	A	X	X	A	O	X	O	O	V	V	V	V	X	X
۲	O	O	A	A	A	A	X	X	X	X	X	O	O	V	O	V	A	A	
۳	X	A	A	A	A	A	V	X	A	X	A	V	A	V	O	O	V		
۴	X	A	A	X	X	X	V	A	A	A	X	V	V	V	V	V			
۵	A	O	A	O	O	O	O	X	A	A	A	A	A	X	X				
۶	X	X	X	X	X	X	A	X	O	O	O	O	O	X					
۷	A	A	A	A	A	A	O	V	X	X	A	A	A						
۸	A	A	A	A	A	A	O	O	V	O	X	X							
۹	O	O	O	O	O	O	O	O	A	X	X								
۱۰	A	A	A	X	V	A	V	V	V	X									
۱۱	A	A	A	A	A	A	V	O	V										
۱۲	O	V	O	X	X	V	V	V											
۱۳	O	V	O	V	A	O	V												

۱۱.۱۰.۹.۷.۵.۲	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۱.۱۰.۹.۸.۷.۲	۱۴.۱۲.۱۱.۱۰.۹.۷.۵.۴.۳.۲	۱۱
۱۹.۱۷.۱۶.۱۲.۷.۲	۱۹.۱۷.۱۶.۱۲.۱۱.۱۰.۸.۷.۲	۱۹.۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۳.۱۲.۹.۷. ۵.۴.۳.۲.۱	۱۲
۱۳.۶.۵.۳.۲.۱	۱۶.۱۳.۱۲.۱۰.۶.۵.۴.۳.۲.۱	۱۹.۱۷.۱۴.۱۳.۶.۵.۳.۲.۱	۱۳
۱۴.۴.۲.۱	۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۳.۱۲.۱۱.۱۰.۴.۳.۲.۱	۱۴.۷.۶.۴.۲.۱	۱۴
۱۶.۱۵.۶.۴	۱۹.۱۸.۱۶.۱۵.۱۲.۱۰.۶.۴	۱۶.۱۵.۱۴.۱۱.۸.۷.۶.۴.۳.۲.۱	۱۵
۱۶.۱۲.۶.۴	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۲.۶.۴	۱۶.۱۴.۱۳.۱۲.۱۱.۱۰.۸.۷.۶.۴. ۳.۲.۱	۱۶
۱۹.۱۷.۱۲.۶	۱۹.۱۸.۱۷.۱۳.۱۲.۶.۴	۱۹.۱۷.۱۴.۱۲.۱۱.۱۰.۸.۷.۶.۴. ۳.۲.۱	۱۷
۱۹.۱۸.۶	۱۹.۱۸.۶	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۱.۱۰.۸.۷. ۶.۵.۴.۳.۲.۱	۱۸
۱۹.۱۷.۶	۱۹.۱۸.۱۷.۱۳.۱۲.۶	۱۹.۱۷.۱۶.۱۵.۱۱.۱۰.۸.۷.۶.۴. ۳.۱	۱۹

۳۴۷

برای تعیین سطح عوامل، در اولین جدول تکرار، آن متغیر در سطح اول قرار می‌گیرد که مجموعه خروجی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشند. پس از تعیین متغیر سطح اول، آن را از جدول حذف کرده، با بقیه متغیرها جدول بعدی را تشکیل می‌دهیم. در جدول دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم را مشخص می‌کنیم و این کار را تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه می‌دهیم. سپس ماتریس استاندارد را تشکیل می‌دهیم.

نتایج کلی سطح بندی عوامل اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی مربیان و ورزشکاران حرفه ای ایران در جدول ۴، آمده است:

جدول ۴. نتایج سطح بندی عوامل اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی مربیان و ورزشکاران حرفه ای ایران

تکرار	ردیف	خروجی	ورودی	اشتراک ها	سطح
۱	۵	۱۳.۷.۶.۵	۱۸.۱۳.۱۲.۱۱.۱۰.۹.۸.۷.۶.۵.۴.۳.۲.۱	۱۳.۷.۶.۵	اول
۱	۷	۱۲.۱۱.۷.۶.۵	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۲.۱۱.۱۰.۹.۷. ۶.۵.۴.۳.۲.۱	۱۲.۱۱.۷.۶.۵	اول
۲	۲	۱۴.۱۳.۱۲.۱۱.۱۰	۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۳.۱۲.۱۱.۱۰.۹.۴. ۳.۲.۱	۱۴.۱۳.۱۲.۱۱.۱۰ ۹.۲.۱	دوم
۲	۶	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۳.۶.۴.۱	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶. ۱۵.۱۳.۶.	دوم
۲	۸	۱۲.۱۱.۱۰.۸	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۲.۱۱.۱۰.۹.۸.۴.۳	۱۲.۱۱.۱۰.۸	دوم
۲	۹	۱۱.۱۰.۹.۸	۱۲.۱۱.۱۰.۹.۸.۴.۳.۲	۱۱.۱۰.۹.۸	دوم
۳	۱	۱۴.۱۳.۱۰.۴.۳.۱	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۳.۱۲.۱۰.۴.۳. ۳.۱	۱۴.۱۳.۱۰.۴. ۳.۱	سوم
۳	۴	۱۷.۱۶.۱۵.۱۰.۴	۱۹.۱۸.۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۲.۱۱.۱۰.۴.۳. ۱	۱۷.۱۶.۱۵.۱۰. ۴	سوم
۳	۱۴	۱۴.۴.۱	۱۷.۱۶.۱۵.۱۴.۱۳.۱۲.۱۱.۱۰.۱۴.۳.۱	۱۴.۴.۱	سوم

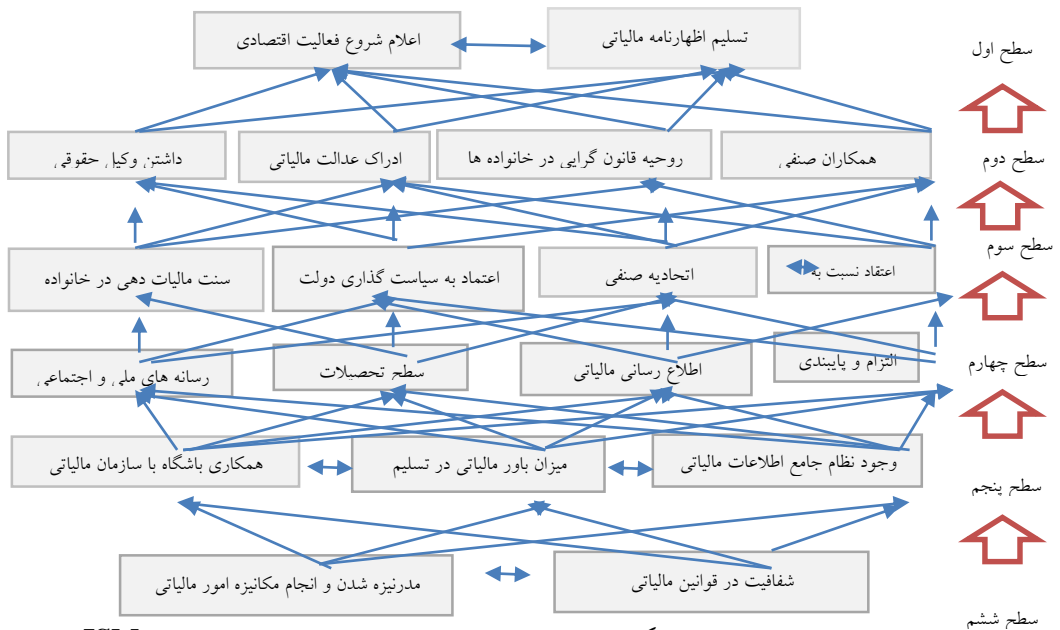
● تدوین مدل ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران با رویکرد مدل ساختاری

تفسیری

سوم	۱۲،۱۱،۱۰،۴،	۱۹،۱۸،۱۷،۱۶،۱۲،۱۱،۱۰،۴،۱	۱۲،۱۱،۱۰،۴،۱	۱۰	۳
چهارم	۱۳،۹،۳	۱۹،۱۸،۱۷،۱۶،۱۵،۱۳،۱۲،۱۱،۹،۳	۱۳،۹،۳	۳	۴
چهارم	۱۲،۱۱،۳	۱۹،۱۸،۱۷،۱۶،۱۵،۱۲،۱۱،۳	۱۲،۱۱،۳	۱۱	۴
چهارم	۱۹،۱۷،۱۶،۱۳	۱۹،۱۷،۱۶،۱۲،۱۳،۱۱	۱۹،۱۷،۱۶،۱۳،۱۲	۱۲	۴
چهارم	۱۹،۱۷،۱۳،۳	۱۹،۱۷،۱۶،۱۳،۱۲،۳	۱۹،۱۷،۱۳،۳	۱۳	۵
پنجم	۱۶،۱۵	۱۹،۱۸،۱۶،۱۵	۱۶،۱۵	۱۵	۵
پنجم	۱۹،۱۶	۱۹،۱۸،۱۷،۱۶،۱۵	۱۹،۱۶	۱۶	۵
پنجم	۱۹،۱۷	۱۹،۱۸،۱۷	۱۹،۱۷	۱۷	۵
ششم	۱۹،۱۸	۱۹،۱۸	۱۹،۱۸	۱۸	۶
ششم	۱۹	۱۹،۱۸	۱۹	۱۹	۶

۳۴۸

پس از مشخص شدن سطوح عوامل اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی مربیان و ورزشکاران حرفه‌ای ایران، مدل ساختاری - تفسیری عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی ترسیم گردید که در شکل ۱، نمایش داده شده است:



شکل ۱. مدل ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران با روش ISM

نتایج نشان داد که عوامل اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی مربیان و ورزشکاران حرفه ای ایران در شش سطح قرار گرفته اند. عوامل شفافیت در قوانین مالیاتی و مدرنیزه شدن و انجام مکانیزه امور مالیاتی در سطح ششم مدل به عنوان سطح زیربنایی قرار گرفته اند. همچنین نتایج نشان می دهد که تسلیم اظهارنامه مالیاتی و اعلام شروع فعالیت اقتصادی در سطح اول الگوی طراحی شده قرار گرفته اند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش، طراحی مدل ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران با رویکرد ISM بود. ارتقای فرهنگ پرداخت واقعی مالیات در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور به مسئولین سازمان امور مالیاتی و همچنین توسعه ورزش کمک فراوانی خواهد کرد. شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی، بسیار ضروری است. از طرفی طراحی مدل ساختاری تفسیری عوامل شناسایی شده، بینش جدیدی را به مدیران می دهد و اولویت های تصمیم و اقدام را مشخص می نماید. نتایج نشان می دهد که ۱۹ عامل بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور مؤثر می باشد. در صورتی که برنامه ریزی مناسب صورت گیرد و اولویت های تصمیمات و اقدامات لازم در راستای هدایت این عوامل اتخاذ شود، توسعه و ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان را به دنبال خواهد داشت. مشخص و آشکار نمودن عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ضرورت دارد، اما نکته حائز اهمیت، تعیین اولویت اقدام و تصمیم است، زیرا اهمیت و تأثیر همه عوامل، یکسان نیست و همچنین تمرکز بر همه عوامل به صورت هم زمان به آسانی امکان پذیر نیست. سطح بندی عوامل با استفاده از روش مدل سازی ساختاری تفسیری، این امکان را به مدیران می دهد که در وهله اول، بر عواملی متمرکز شوند که هدایت گری و اثرگذاری بیشتری دارند و بر ایجاد دیگر عوامل توسعه فرهنگ مالیاتی اثرگذار هستند یا نقش تسهیل گری ایفا می کنند. بنابراین، سطح بندی و تعیین اولویت در تصمیم گیری و اقدام باعث می شود که تلاش ها جهت ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور با سرعت بیشتری به نتیجه برسد.

براساس یافته های پژوهش، عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور در شش سطح قرار گرفتند. یافته ها مشخص نمود که عوامل تسلیم اظهارنامه مالیاتی و اعلام شروع فعالیت اقتصادی در رأس مدل ساختاری تفسیری قرار گرفته اند. عوامل سطح اول به عنوان هدف نهایی به حساب می آیند. در صورتی که عوامل سطوح پایین تر مدل ایجاد شود و از اثرگذاری و هدایت گری مطلوبی برخوردار باشند، دستیابی به عوامل بالای مدل، تسهیل خواهد شد. چنانچه مربیان و ورزشکاران حرفه ای کشور به موقع اظهارنامه مالیاتی خود را به طور واقعی ارائه نمایند و تاریخ واقعی شروع فعالیت اقتصادی خود را اعلام نمایند به معنی این است که به لحاظ فرهنگ مالیاتی ارتقای یافته اند و دغدغه مسئولان سازمان امور مالیاتی و دولت کاهش خواهد یافت. علاوه بر تأثیر دو عامل سطح ششم مدل بر ایجاد دو عامل اولین سطح، عوامل میانی که نیز ضمن تأثیر پذیری از یکدیگر بر ایجاد و یا تقویت عوامل رأس مدل و ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور مؤثرند. در سطح دوم الگوی پژوهش، عوامل همکاران صنفی، روحیه قانون گرایی در خانواده، ادراک عدالت مالیاتی و داشتن وکیل حقوقی بر ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤثر می باشند. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) بیان کردند که تأثیر عوامل همچون اتحادیه های

صنفي و داشتن وکيل حقوقی در افزايش فرهنگ مالیاتی نیز مورد تأیید قرار گرفت. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل اعتقاد نسبت به کارکرد مالیات، اتحادیه صنفی، اعتماد به سیاست‌گذاری دولت و سنت مالیات دهی در خانواده در سطح سوم، عوامل التزام و پایبندی به دین، اطلاع‌رسانی مالیاتی، سطح تحصیلات و رسانه‌های ملی و اجتماعی در سطح چهارم و عوامل وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی، همکاری باشگاه‌ها با سازمان امور مالیاتی و میزان باور مالیاتی در تسلیم اظهارنامه در سطح پنجم مدل قرار گرفتند. این عوامل با یکدیگر در کنش و واکنش هستند و تأثیرگذاری سطوح پایین‌تر، بیشتر از سطوح بالاتر می‌باشند. در پژوهش‌های محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) به تأثیر نگرش مثبت مؤدیان نسبت به کارکرد مالیات اشاره شده است. کولیش و فرانچ^۱ (۲۰۱۳) دریافتند که متغیرهای کنترل نگرشی، هنجاری و ذهنی بر پیش‌بینی‌های مطلوب پرداخت‌کنندگان مالیات تأثیر دارد. بامی-آلدرد و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که عوامل نگرشی، به عنوان یک زیرمجموعه ارزش‌های فرهنگی مؤثر بر فرار مالیاتی می‌باشند. حیدری و همکاران (۱۳۹۸) که در الگوی تجربی تحقیق متغیرهای نظام مندی مالیات، اعتماد متقابل کنشگران، عدالت مالیاتی و کارآمدی مصارف مالیاتی به طور مستقیم، بر فرهنگ مالیاتی مؤدیان اثر می‌گذارند. سلطان حسینی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها و عوامل مدیریتی، دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی فعال در کشور در عدم پرداخت به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران در اولویت قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش‌های منتخب مرور شده با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. عوامل سطوح میانی از اثرگذاری و اثرپذیری بالایی برخوردارند. غفلت از این عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی را با چالش رو به رو خواهد کرد.

آخرین یافته‌های پژوهش مشخص نمود که عوامل شفافیت در قوانین مالیاتی و مدرنیزه شدن و انجام مکانیزه امور مالیاتی در سطح زیربنایی (پایین‌ترین سطح) قرار گرفته‌اند. این یافته با نتایج سایر مطالعات مورد بررسی همخوانی دارد. به عنوان مثال، حیدری و همکاران (۱۳۹۸) متغیرهای شفاف بودن قوانین مالیاتی بر فرهنگ مالیاتی اثر مستقیم دارد. خداپرست و همکاران (۱۳۹۷) به ناتوانی فناوریانه در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی که بر فرار مالیاتی مؤثر بوده‌اند، اشاره کردند. اعتمادی (۱۳۹۲) بیان داشت که مکانیزه نبودن سیستم مالیاتی از عوامل مهم در فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه‌ای بوده است. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) دریافتند که عامل آشنائی مؤدیان با قوانین مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی مؤثر بوده است که این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. این دو عامل بر تقویت یا ایجاد اغلب عوامل، نقش هدایت‌گری را ایفا می‌کند. ضمن این که کم‌ترین میزان اثرپذیری و وابستگی را دارند. در واقع، به وجود آمدن و تقویت دیگر عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی را تسهیل می‌کند. بنابراین، باید مسئولین امور مالیاتی با تعامل با وزارت ورزش نسبت به احصا راهکارهای شفافیت در قوانین به طوری که، برای همه قابل درک باشد اقدام لازم را انجام داده و سپس نسبت به جمع‌آوری جامع اطلاعات مورد نیاز و مدرنیزه کردن سیستم اخذ مالیات، اقدامات لازم انجام دهد. بدیهی است شفافیت و قابل درک بودن قوانین مالیاتی و سیستمی بودن تعیین میزان مالیات، موجب بهبود نگرش و باور مؤدیان مالیاتی نسبت به پرداخت مالیات خواهد شد.

آشنا سازی جامعه با قوانین مالیات و کارکرد های مالیات از طریق رسانه های گروهی و آموزش های مجازی متعدد و هدفمند جهت صنوف مختلف از جمله مربیان و ورزشکاران حرفه ای می تواند سطح آگاهی مؤدیان را ارتقا داده و در نتیجه به ارتقای فرهنگ مالیاتی کمک نماید. در بین ورزشکاران نیز با همکاری وزارت ورزش و جوانان می تواند این مهم با سهولت بیشتری انجام شود. بدیهی است که افزایش سطح اطلاعات مربیان و ورزشکاران حرفه ای کشور، باعث افزایش اعتماد آن ها به دولت و سازمان امور مالیاتی، در نهایت منجر به تمکین آن ها در پرداخت مالیات خواهد شد.

فدراسیون های ورزشی با تدوین مقررات و اساس نامه هایی به منظور کنترل بیشتر و دقیق تر باشگاه ها در راستای کاهش یا جلوگیری از فرار مالیاتی می تواند نقش پررنگی بر رفتار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایفا نماید. این مهم سبب می شود که ورزشکاران و مربیان حرفه ای علاوه بر قوانین و مقررات باشگاه ها که با آنان قرارداد امضا می کنند و ملاک پرداخت مالیات در سازمان امور مالیاتی ایران محسوب می شود، نقش پر رنگ تری در گزارش ورزشکاران و مربیان حرفه ای از شروع فعالیت اقتصادی خود به اداره مالیات داشته باشند و وظایف خود را با توجه به رویکرد هنجارهای گروهی به نحو احسن انجام دهند و نتوانند درآمد خود را کتمان کنند. بنابراین، توسعه تعاملات و مراودات با فدراسیون های ورزشی می تواند سازمان امور مالیاتی را در ارتقای فرهنگ مالیاتی کمک نماید.

ادراک عدالت مالیاتی از دیگر عواملی است که بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای اثرگذار بوده است. به عبارت دیگر، اینکه نظام مالیاتی تا چه حد در جهت وصول مالیات از فعالان اقتصادی عادلانه عمل می کند برای آنان مهم بوده است.

با توجه به پیشینه پژوهش و یافته ها، وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی که باستناد اسناد و مدارک موجود دارای سه هدف اصلی افزایش درآمدهای پایدار مالیاتی، کاهش هزینه های عملیاتی مالیات ستانی و افزایش رضایت صاحبان کسب و کار (مؤدیان مالیاتی) بوده است، هنوز به طور کامل به مرحله اجرا در نیامده و بعضاً با کاستی هایی رو به رو است، لذا لازم است نسبت به عملیاتی کردن کامل آن و رفع کاستی ها اقدام گردد تا بتوان گامی مهم در ارتقای فرهنگ مالیاتی و ایجاد عدالت مالیاتی برداشت.

در پایان با توجه به یافته ها می توان گفت که یکی از معضلات قانون مالیات ها در ایران غیر شفاف بودن، ثقیل بودن و دیر هضم بودن قانون مالیاتی است. سبک نگارش قانون در ایران که زبان خاص خود و اصطلاحات حقوقی خاص خود را دارد باعث شده است که مؤدیان مالیاتی به راحتی متن قانون مالیات ها را متوجه نشوند و لذا شفاف سازی و ساده نویسی قانون مالیات ها، ارتقای فرهنگ مالیاتی را تسهیل خواهد کرد.

با توجه به این که در سازمان های ورزشی کشور از جمله در ورزشکاران و مربیان حرفه ای به ندرت پژوهشی در زمینه ارتقای فرهنگ مالیاتی صورت گرفته است و منابع اطلاعاتی در این زمینه محدود است، ممکن است برخی عوامل و شاخص ها مورد غفلت واقع شده باشد. از طرفی با مدنظر قرار دادن این محدودیت، پیشنهاد می شود تا در آینده، ضمن انجام پژوهش هایی در زمینه ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای به طور مجزا در رشته های ورزشی همچون فوتبال، والیبال، کشتی و غیره، پژوهش های در ارتباط با موانع ارتقای فرهنگ مالیاتی، توانمندسازی منابع انسانی سازمان امور مالیاتی در زمینه ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان و طراحی الگوی مدیریت عملکرد سازمان های ورزشی در ارتباط با ارتقای فرهنگ مالیاتی صورت پذیرد.

● تدوین مدل ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران با رویکرد مدل سازی ساختاری

تفسیری

منابع

- آذر، عادل؛ تیزرو، علی؛ مقبل با عرض، عباس و انواری رستمی، علی اصغر. (۱۳۸۷). «مدل چابکی زنجیره تامی با رویکرد مدل ساختاری تفسیری». پایگاه اطلاعات علمی.
- اعتمادی، مریم؛ سلطان حسینی، محمد و سلیمی، مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای لیگ برتر استان اصفهان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مبارکه.
- انصاری، علی نقی؛ امیر حسینی، سید احسان و حمیدی، مهرداد. (۱۳۹۸). «طراحی الگوی عوامل مؤثر بر فساد اداری مالی در ادارات کل ورزش و جوانان». رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج.
- حمیدی، محسن؛ حمیدی، مهرداد و خبیری، محمد. (۱۳۹۵). «تدوین برنامه استراتژیک آکادمی ملی فوتبال ایران و طراحی نقشه استراتژیک آن با روش های BSC و ISM». پایان نامه دکتری مدیریت ورزشی. دانشگاه تهران.
- حیدری، محمد؛ قاسمی، وحید؛ رنانی، محسن و ایمان، محمد تقی. (۱۳۹۶). «مروری نظام مند بر مطالعات فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن، جامعه شناسی اقتصادی و توسعه». سال ۶، شماره ۲، صص ۸۵-۱۱۶.
- حیدری، محمد؛ قاسمی، وحید؛ رنانی، محسن و ایمان، محمد تقی. (۱۳۹۸). «تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ مالیاتی بر مبنای واکاوی نظام معنایی مؤدیان مالیاتی در اصفهان: رویکردی ترکیبی». جامعه شناسی کاربردی. دوره ۳۰، شماره ۲، صص ۱-۲۸.
- خداپرست، محبوبه؛ سلطان حسینی، محمد و سلیمی، مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای با تاکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی». فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. دوره ۷، شماره ۱، صص ۱-۱۴.
- سپهوند، رضا؛ ساعدی، عبدالله و مومنی فرد، معصومه. (۱۳۹۷). «طراحی مدل مدیریت منابع انسانی در سازمان های ورزشی با استفاده از مدل سازی ساختاری تفسیری». مدیریت منابع انسانی در ورزش، سال ۵، شماره ۴.
- سلطان حسینی، محمد؛ سلیمی، مهدی و اعتمادی، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای». فصلنامه مدیریت ورزشی. دوره ۷، شماره ۳، صص ۴۳۷-۴۵۶.
- صالحی، مهدی؛ پرویزی فرد، سعید و استوار، مستوره. (۱۳۹۳). «تأثیر عوامل فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی در بین مودیان امور مالیاتی». پژوهشنامه مالیات. شماره ۲۳، پیاپی ۷۱.
- صامتی، مجید؛ امیری، هادی و حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). «تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی، مطالعه موردی شهر اصفهان». پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۷۵، ۲۳۱-۲۶۲.
- عسکری، علی؛ توتونچی، امین و مطلبی، داوود. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر اجرای کارآمد مالیات بر ارزش افزوده در اداره کل امور مالیاتی مؤدیان بزرگ». پژوهشنامه مالیات. شماره ۱۰، صص ۵۱-۷۵.
- عمادی، سمیه؛ امیر حسینی، سید احسان و حمیدی، مهرداد. (۱۳۹۸). «طراحی و تدوین

راهبردی مدیریت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان». رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج.

● گوهری، ظهرا؛ حمیدی، مهرزاد و امیر حسینی، سید احسان. (۱۳۹۹). «طراحی نقشه استراتژیک و جاری سازی سند راهبردی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران با رویکردهای BSC و ISM». رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج.

● لشکری زاده، مریم و عزیزی، سعید. (۱۳۹۰). «شناسایی برخی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ایران». فصلنامه مدیریت. سال ۸، شماره ۲۲، صص ۸۲-۹۲.

● محسنی تبریزی، علیرضا؛ کیمیجانی، اکبر و عباس زاده، مرتضی. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی در میان مؤدیان بخش مشاغل (صنف لوازم التحریر) استان البرز». پژوهشنامه مالیات. دوره ۱۸، صص ۱۹۹-۲۲۸.

● نقوی، محبوبه؛ حسینی، سیدعماد؛ رضائی نژاد، رحیم و کشگر، سارا. (۱۳۹۶). «شناسایی حوزه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل دهی رفتارهای اجتماعی ورزشکاران حرفه ای ایران». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۳۰-۲۱.

- Ahmed, Y. and Helhel, Y. (2014). "Factors affecting tax attitudes and tax compliance: A survey study in yemen". European Journal of Business and Management, ISSN 2222-2839 (Online), 6(22).
- Agebetunde, L. A., Adedokun, L. B., Fadipe, A.O. (2015). "A cross-cultural survey of ethical reasons for tax evasion among nigerian taxpayers". Research Journal of Finance and Accounting, 6(23), 9-16.
- Bame-Aldred, Charles W. Cullenb, John B. Martinc, Kelly D. Parboteeah, K. Praveen. (2013). "National culture and firm-level tax evasion". Journal of Business Research, 66(3), 390-396.
- Damayanti, TW., Sutrisno, T., Subekti. I. & Baridwan, Z.(2015). "The role of taxpayer's perception of the government and society to improve tax compliance". Accounting and Finance Research, 4(1), 180-188.
- Ho, D., Ho, D. C., & Young, A. (2013). "A study of the impact of culture on tax compliance in China". International Tax Journal, 33-44.
- Faisal, M., Banwet, D.K. and Shankar, R. (2006). "Supply chain risk mitigation: modelling the enablers". Business Process Management, 12(4): 535-552
- Kulis, D., Franic, Josip A. (2013). "Financial and tax effects of professional athlete transfer". Institute of Public Finance, 74, 1-10.
- Williamson, C. (2017). "Taxation of income on professional team athletes". Senior Thesis, Liberty University.
- Radvan, M., Neckar, J. (2016). "Taxation of professional team sport athletes in the czech republic". Public Governance, Administration and Finances Law Review, 1(1), 40-46.
- Kogler, C., Batrancea, L., Nichita, A., Pantya, J., Belianin, A., dan Kirchler, E. (2013). "Trust and power as determinants of tax compliance: Testing the assumptions of the slippery slope framework in austria, hungary, romania and Russia". Journal of Economic Psychology, 34, 169-180.